



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴ - ۲۳ محرم ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۳۵۵ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

حقوق بشر غرب در محاصره تحریم غربی



علی بهادری جعفری
عضو هیئت علمی دانشکده
حقوق دانشگاه تربیت مدرس

حمایت از حقوق بشر، در فلسفه وجودی خود باید متکی به کرامت انسانی و قواعد عام‌الشمول حقوق بین‌الملل باشد، نه تابعی از مناسبات قدرت یا ملاحظات سیاسی دولت‌ها. قاعده بنیادین بی‌طرفی در حمایت از حقوق بشر اقتضا دارد که همه قربانیان، فارغ از هویت، تابعیت یا موضع سیاسی خود، از یک استاندارد

حمایتی واحد بهره‌مند باشند و نهادهای حقوق بشری نیز در ایفای نقش خود مصون از یکجانبه‌گرایی در تفسیر، طراحی و پیاده‌سازی و فشار و تهدید دولت‌ها باقی بمانند.

با این حال، اقدام اخیر دولت ایالات متحده امریکا در تحریم خانم فرانچسکا الیانیز، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور سرزمین‌های اشغالی فلسطین، نشانه‌ای دیگر از فروپاشی درونی نظام حقوق بشر غرب‌محور است. این گزارشگر مستقل، براساس مأموریت تعریف‌شده از سوی شورای حقوق بشر و در چارچوب اصول منشور ملل متحد، به ارائه ارزیابی حقوقی نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی در نوار غزه پرداخته بود؛ از جمله مصادیق جدی نقض حقوق بشر بین‌المللی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و کشتار نظام‌مند غیرنظامیان. در واکنش، ایالات متحده نه تنها پاسخ حقوقی مستندی به گزارش نداد، بلکه از سازوکار تحریم برای حذف گزارشگر استفاده کرد؛ اقدامی که به‌صراحت ناقض اصل استقلال نهادهای بین‌المللی و بی‌طرفی کارشناسان منتخب آنهاست.

تحریم یک مقام رسمی منصوب‌شده از سوی شورای حقوق بشر، از هم صرفاً به دلیل انجام مأموریت نظارتی، مصداق آشکار دیگری از مداخله در عملکرد مستقل از کان ملل متحد و تهدید عملی اصل حاکمیت قانون در نظم بین‌المللی است. این تحریم، باید در امتداد دیگر اقدامات یکجانبه ایالات متحده علیه نهادهای بین‌المللی، نظیر تهدید به تحریم قضات دیوان بین‌المللی کیفری، ارزیابی شود، یعنی تلاش برای مهندسی سازوکارهای حقوقی و نظارتی و نهادینه‌سازی قاعده «مصونیت برای متحدان».

نکته قابل توجه آنکه اصولاً نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، از جمله شورای حقوق بشر و گزارشگران آن، در ساختاری متأثر از توازن ناعادلانه قدرت جهانی تعریف شده‌اند و طراحی رویه‌ها و دستور کارها در دهه‌های اخیر عمدتاً در اختیار قدرت‌های غربی بوده است. با این همه، امروز شاهد آن هستیم که همین دولت‌ها حتی کوچک‌ترین انحراف از فراتت یکجانبه و مورد تأیید خود را نیز بر نمی‌تابند و در مواجهه با صدای مستقل، نه صرفاً به ابزارهای فشار سیاسی، مالی و رسانه‌ای، بلکه به تحریم مستقیم کارشناسان ملل متحد متوسل می‌شوند. این واقعیت باز هم بی‌طرفی ادعایی سازوکارهای غربی در حوزه حقوق بشر را به‌شدت زیر سؤال می‌برد و حاکی از آن است که حتی قواعدی که به ابتکار خود آنان تدوین شده، وقتی در جهت منافع‌شان عمل نکند، بی‌اعتبار تلقی می‌شود.

در چنین شرایطی، استمرار سکوت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در برابر این تحریم، تکرار اشتباه گذشته در انفعال، سکوت و حتی همراهی دولت‌ها با تحریم‌های غیرقانونی ایالات متحده علیه کشورهای دیگر خواهد بود که نه تنها تهدیدی علیه استقلال کارشناسان، بلکه تیر دیگری بر پیکره ناعادلانه و کاملاً معیوب شده نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوق بین‌الملل خواهد بود. اگر دولت‌های عضو ملل متحد، شورای حقوق بشر، کمیساریای عالی حقوق بشر و دبیر کل سازمان ملل همچنان در برابر این مداخله غیرقانونی و محرب منفعل بمانند، راه برای تکرار چنین اقدامات تهدیدآمیزی هموار خواهد شد. بدیهی است در این صورت، دیگر نه از استقلال گزارشگری چیزی باقی خواهد ماند و نه از مرجعیت اخلاقی و حقوقی نهادهای بین‌المللی در دفاع از حقوق بشر و تضمین نظم و امنیت بین‌المللی.

تحریم گزارشگر ویژه فلسطین، در کنار سایر رویه‌های مشابه، هشدار جدی به جامعه جهانی است که نظام حقوق بشر غرب‌محور، نه بر پایه عدالت و بی‌طرفی، بلکه مبتنی بر قرائتی سیاسی، ابزار محور و سلطه‌طلبانه بنا شده است. پاسداشت استقلال سازمان ملل و صیانت از اعتبار نهادهای آن، وظیفه‌ای اولاً برای متولیان این نهادها و ثانیاً برای همه دولت‌ها و حقوقدانان به ویژه مدعیان دفاع از این مضامین است؛ در غیر این صورت بیش‌ازپیش نمودار خواهد شد که آینده نظم حقوقی بین‌المللی موجود، نظمی تسلیم‌شده در برابر قدرت و در نتیجه تهی از عدالت خواهد بود. در چنین شرایطی، استقرار نظمی نوین در ساختارهای حقوق بشری و حتی حقوقی بین‌الملل، غیر قابل اجتناب خواهد شد.



بحث مذاکره در پساجنگ همچنان مخالفان و طرفداران خود را دارد. برخی ذوب در مذاکره‌اند و برخی مطلق آن را رد می‌کنند. عباس عراقچی در کنفرانسی تصویری با همتایان اروپایی شروطی برای مذاکره گذاشت. هر چند آنان نیز اهل شرط‌وشروطند و کاملاً بی‌منطق و غیرقابل اعتماد و جرزن! در این میان علی لاریجانی مشاور رهبری گفته است: «هیچ عجله‌ای برای مذاکره نباید کرد. مذاکره یک تاکتیک است. بگذاریم رهبر انقلاب آن جایی که لازم می‌داند از این تاکتیک استفاده کنند»

منطق مذاکره تاکتیکی

اخیرش باشد: «آنها با ما جنگیده‌اند، باید اول بگویند چرا جنگ کردند».

پیام‌های چندلایه به داخل و خارج

تحلیلگران سیاسی، اظهارات لاریجانی را حاوی پیام‌هایی روشن در سه سطح می‌دانند؛ به جریانات داخلی؛ هشدار نسبت به شتاب‌دگی در پیگیری مذاکره بدون نیست. مذاکره یک روش (تاکتیک) است و نباید آن را یک راهبرد (استراتژی) قطعی و غیرقابل نقد و بحث تلقی کنیم.

لاریجانی فعال پس از جنگ!

علی لاریجانی مشاور سیاسی رهبری پس از جنگ اخیر بسیار در حوزه تبیین فعال شده است. ممکن است دلیل این را صرفاً امری شخصی بدانیم، و ممکن است ناشی از نارضایتی بخش‌هایی از نظام از قوی‌نبودن اظهارات دیپلماتیک و سیاسی دولت

داست. او اخیراً در هیئت میثم مطیعی در آستان امامزاده قاضی‌الصابر ظاهر شد و در سخنانی معنادار به‌صراحت اعلام کرد که «الان بحث مذاکره نیست» و تأکید کرد که مذاکره برای جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک «تاکتیک» است، نه یک سیاست راهبردی. او با اشاره به نقش رهبری در تعیین زمان و نحوه ورود به مذاکرات، تصریح کرد: «بگذاریم رهبری آن جا که لازم می‌دانند از مذاکره استفاده کنند و اگر لازم نمی‌دانند، استفاده نکنند». این اظهارات در شرایطی بیان می‌شود که اخیراً گزارش‌هایی درباره ارسال پیام‌هایی از سوی امریکا برای ازسرگیری مذاکرات با تهران منتشر شده است. لاریجانی در گفت‌وگوی دیگری با شبکه الجزیره این موضوع را نیز تأیید کرده و گفته بود: «ایران در حال بررسی پیام‌هایی است که امریکا برای شروع مجدد مذاکرات ارسال کرده، اما پس از جنگی که علیه ما تحمیل شد، دیگر هیچ‌گونه

جنگ ۱۲ روزه و بازی دیپلماسی

سخنان لاریجانی در پی پایان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با محور مقاومت و نقش پررنگ‌تر ایران در این درگیری‌ها ایراد شد؛ جنگی که بسیاری آن را نقطه عطفی در تقابل مستقیم‌تر ایران و رژیم صهیونیستی می‌دانند. در چنین شرایطی، طرح بحث مذاکره با امریکا از سویی بر برخی محافل داخلی، با واکنش‌هایی از سویی چهره‌های تأثیرگذار در نظام مواجه شده است. لاریجانی در مواضع خود تأکید کرد که ایران نه تنها عجله‌ای برای مذاکره ندارد، بلکه ابتدا امریکا باید پاسخگوی اقدامات خصمانه

مبنای اخلاقی و حقوقی برای آن هستند، دست بردارند». به‌نظر می‌رسد باید بخشی از نافهمی عمومی درباره مذاکره را کنار گذاشت. مذاکره هرگز به‌معنای ضعف نیست. اصرار بر آن هم دلیل قوت فکر و منطق و قوت دیپلماسی نیست. مذاکره یک روش (تاکتیک) است و نباید آن را یک راهبرد (استراتژی) قطعی و غیرقابل نقد و بحث تلقی کنیم.

علی لاریجانی مشاور سیاسی رهبری پس از جنگ اخیر بسیار در حوزه تبیین فعال شده است. ممکن است دلیل این را صرفاً امری شخصی بدانیم، و ممکن است ناشی از نارضایتی بخش‌هایی از نظام از قوی‌نبودن اظهارات دیپلماتیک و سیاسی دولت دانست. او اخیراً در هیئت میثم مطیعی در آستان امامزاده قاضی‌الصابر ظاهر شد و در سخنانی معنادار به‌صراحت اعلام کرد که «الان بحث مذاکره نیست» و تأکید کرد که مذاکره برای جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک «تاکتیک» است، نه یک سیاست راهبردی. او با اشاره به نقش رهبری در تعیین زمان و نحوه ورود به مذاکرات، تصریح کرد: «بگذاریم رهبری آن جا که لازم می‌دانند از مذاکره استفاده کنند و اگر لازم نمی‌دانند، استفاده نکنند». این اظهارات در شرایطی بیان می‌شود که اخیراً گزارش‌هایی درباره ارسال پیام‌هایی از سوی امریکا برای ازسرگیری مذاکرات با تهران منتشر شده است. لاریجانی در گفت‌وگوی دیگری با شبکه الجزیره این موضوع را نیز تأیید کرده و گفته بود: «ایران در حال بررسی پیام‌هایی است که امریکا برای شروع مجدد مذاکرات ارسال کرده، اما پس از جنگی که علیه ما تحمیل شد، دیگر هیچ‌گونه

سرخان لاریجانی در پی پایان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با محور مقاومت و نقش پررنگ‌تر ایران در این درگیری‌ها ایراد شد؛ جنگی که بسیاری آن را نقطه عطفی در تقابل مستقیم‌تر ایران و رژیم صهیونیستی می‌دانند. در چنین شرایطی، طرح بحث مذاکره با امریکا از سویی بر برخی محافل داخلی، با واکنش‌هایی از سویی چهره‌های تأثیرگذار در نظام مواجه شده است. لاریجانی در مواضع خود تأکید کرد که ایران نه تنها عجله‌ای برای مذاکره ندارد، بلکه ابتدا امریکا باید پاسخگوی اقدامات خصمانه

منطق مذاکره تاکتیکی

علی علوی

مسئله مذاکره در روزهای پس از جنگ، مورد مناقشه بسیار است. گروهی حتی در تلویزیون و حتی پس از آنکه رهبر معظم انقلاب گفتند ما در هر دو میدان نظامی و دیپلماسی «هر وقت لازم شد» قوی وارد می‌شویم، هنوز مذاکره را خیانت می‌دانند، با آنکه با این منطق مطلق‌گویی حتی جنگ نیز در زمان‌هایی می‌تواند خیانت باشد. گروهی دیگر یکسره بر طبل مذاکره بی‌چون‌وچرا و بی‌شرط‌وشروط ایران با غرب می‌کوبند. اینان نیز چنان در فضای ذوب در غریب‌رایی خود هستند (و اغلب بز دلانی که گمان می‌کنند مذاکره برای آنان رفاه و آرامش و صلح به همراه دارد) که هیچ چیز برای ایشان آیینۀ عبرت نمی‌شود.

علاوه بر این دو گروه کلی‌گو در روزهای اخیر علی لاریجانی مشاور رهبری که در یک هیئت حاضر شده بود، گفت «طرف مقابل با ما وارد جنگ شده. اول باید آنها بگویند چرا با ما جنگیدند! هیچ عجله‌ای برای مذاکره نباید کرد. مذاکره یک تاکتیک است. بگذاریم رهبر انقلاب آن جایی که لازم می‌دانند از این تاکتیک استفاده کنند».

در عین‌حال عباس عراقچی که در یک کنفرانس تصویری با همتایان تروئیکای اروپایی شرکت کرده بود شروطی برای مذاکره گذاشت. هر چند اروپایی‌ها نیز اهل شرط‌وشروطند و کاملاً بی‌منطق و غیرقابل اعتماد و جرزن! عراقچی گفت: «این ایالات‌متحده بود که از توافقی که طی دو سال و با هماهنگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ حاصل شده بود، خارج شد نه ایران؛ و این امریکا بود که در ژوئن امسال میز مذاکره را ترک کرد و به‌جای آن گزینه نظامی را برگزید، نه ایران. هر دور جدیدی از مذاکرات فقط زمانی ممکن خواهد بود که طرف مقابل برای یک توافق هسته‌ای عادلانه، متوازن و مبتنی بر منافع متقابل آمادگی داشته باشد. اگر اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی می‌خواهند نقشی ایفا کنند، باید مسئولانه رفتار کنند و از سیاست فرسوده تهدید و فشار، از جمله تهدید به اجرای سازوکار «اسنپ‌بک» که فاقد هر گونه